



بیانات در اجتماع بزرگ مردم بندرعبّاس - 28 / بهمن / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذّین سبقونا بالايمان و لاتجعل فی قلوبنا غلا للذّین امنوا ربنا انک رؤف الرحيم. (124) ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرين. (125) الحمد لله رب العالمين. و الصلّاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آلہ الطّیبین الطّاهرين. و السّلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته.

خدای متعال را سپاسگزارم که این توفیق را به بنده عنایت فرمود که وعده‌ای را که به شما مردم استان هرمزگان برای دیدار مجدد داده بودم، محقق شود و من بار دیگر در میان شما مردم عزیز خونگرم ایثارگر انقلابی و مؤمن قرار گیرم و برخی از مطالبی را که مورد علاقه‌ی ما و شماست، با شما در میان بگذارم.

اولاً از این اجتماع عظیم و پرشور و از این استقبال صمیمانه‌ی شما مردم عزیز، با همه‌ی وجود تشکر می‌کنم. این مناظر و این احساسات پاک و صمیمانه، شاید در میان ملت‌های عالم و در میان کشورهای جهان، بی‌نظیر و یا لااقل کم‌نظیر است. این پیوند میان شما و خدمتگزارانتان در مسؤولیتهای مهم کشور، یکی از اساسیترین، عمیقترین و شگفت‌انگیزترین رازهای موفقیت ملت ایران در طول سالهای بعد از انقلاب است.

چند جمله درباره‌ی شهر بندرعبّاس و موقعیت حسّاس این شهر و این استان عرض کنم. البته شما مردم این شهر و مردم این استان با این حقایق آشنا هستید؛ اما ملت ایران بداند که در این ساحل طولانی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز این استان تاریخی، این مردم ایثارگر چه کسانی هستند و چه کرده‌اند و چه می‌کنند و در آینده ان شاء الله چه نقشی در پیشرفت این کشور می‌توانند ایفا کنند.

شاید در میان شهرهای کشورمان، غیر از بندرعبّاس، شهری نداشته باشیم که تاریخچه‌ی بنای آن همراه با مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی مردمی با خارجیان باشد و اساساً شهر بر این اساس شکل گرفته باشد. اگر هم باشد، بسیار محدود است. شهر بندرعبّاس، از آغاز بر اساس مبارزه با اشغالگران پرتغالی شکل گرفت؛ بیگانگانی که طبق عادت همه‌ی استعمارگران، محلّ و زمین و دریا و امکانات و بلکه مردم را متعلق به خود و مملوک خود خیال می‌کردند. از آن سر عالم، گروهی اروپایی آمده بودند و منطقه‌ی حسّاس تنگه‌ی هرمز و لب این آبراه عظیم تجاری جهانی و تاریخی را اشغال کرده بودند. تقریباً چهارصد سال قبل، مردم ایران با فرماندهی فرماندهان غیور و میهن‌دوست و بیگانه‌گریز، توانستند این پایگاه مهم را که متعلق به خودشان بود، از دست بیگانه خارج کنند و از آن وقت این‌جا شد بندرعبّاس؛ به عنوان یک شهر، به عنوان یک پایگاه اساسی و حسّاس برای هم تجارت و هم نظارت بر این آبراه عظیم و مهم جهانی. بعد از آن، انگلیسیها و هلندیها و انواع و اقسام بیگانگان، در این منطقه بساط حاکمیت و زورگویی خودشان را گسترده کردند. بالاخره ملت ایران بر همه‌ی آنها فائق آمده و این منطقه و این ساحل حسّاس، به صاحبان حقیقی و اصلی آن متعلق شده است. شهر بندرعبّاس و این استان بزرگ و طولانی، با هزار کیلومتر ساحل، با امکانات زیاد، با استعدادهای طبیعی، با مردمی سختکوش و خونگرم و علاقه‌مند، در کنار خلیج فارس شکل گرفته است؛ اما عزیزان من! تا قبل از انقلاب، از این استعدادهای مردمی و از این استعدادهای طبیعی و سرزمینی - چه در خشکی و چه در



دریا - استفاده به قدر شایسته که هیچ، حتی استفاده‌ی کمتر از حدّ شایسته هم نمی‌شد. این شهر حسّاس و این مرکز مهم، به عنوان یک تبعیدگاه برای رژیم گذشته مطرح بود - تبعیدگاه اشرار، چاقوکشها از اطراف دنیا و از اطراف کشور - اما زنده کردن امکانات عظیم این شهر و این منطقه، مورد توجه نبود. این که ملاحظه می‌کنید از بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، با این همه فعالیت‌هایی که شده است و این همه سرمایه‌گذاری و تلاش و سازندگی، هنوز چهره‌ی استان نتوانسته است غبار محرومیت را بشوید، به خاطر آن جفای تاریخی است که در طول دهها سال در دوران طاغوت بر این شهر و دیگر شهرهای این استان رفته است.

خدا را سپاسگزاریم که انقلاب عظیم اسلامی و نظام مقدّس جمهوری اسلامی، قدر این مردم و قدر این سرزمین را شناخت. از قبل از انقلاب در همین شهر، مردم مؤمن، جوانان پرشور، در خطّ انقلاب و امام، اقدامات مؤثری داشتند که بجاست من از شهید «حقانی» آن روحانی سختکوش و علاقه‌مند که مقداری از عمر خود را در این جا گذراند و قبل از انقلاب سازماندهی مبارزات را کرد، یاد کنم.

از روز اوّل انقلاب هم تا امروز، مردم این استان برای انقلاب، برای نظام جمهوری اسلامی، در همه‌ی مقاطع حسّاس، در جنگ، در سازندگی، در تظاهرات عمومی، در انتخابات و در هر جایی که حضور مردم معنا می‌دهد، به بهترین وجهی حضور خودشان را نشان داده‌اند. برادران شیعه و سنی، کنار هم و دست در دست هم، دور از تشنّجی که دشمن همیشه خواسته است میان برادران مسلمان به وجود آورد، در کنار یکدیگر، هم کار کرده‌اند، هم به مبارزه پرداخته‌اند و هم در دفاع هشت ساله شرکت جُسته‌اند.

این استان، دو هزار شهید، تعداد بی‌شماری ایثارگر و جوانان بسیجی داشته است؛ بخصوص غوّاصانی که در هر جا که بودند، نشان دادند که جوانان مؤمن و فداکار و علاقه‌مندی هستند. امروز هم ایثارگران این خطّه، جزو ایثارگران پرشور و مؤمن و صادقی هستند که حرکات آنها، تلاش آنها، دلسوزی و علاقه‌مندی آنها، از چشم مردم و مسؤولان پنهان نیست. نظام جمهوری اسلامی با این دید، با این استان و با این مردم رفتار کرد؛ مردمی علاقه‌مند و صادق، سربازان حقیقی اسلام و قرآن و نظام جمهوری اسلامی.

خدمات نظام جمهوری اسلامی در این مدّت، یک فهرست طولانی و بسیار ارزنده است. من با این که خودم تا حدودی با این استان آشنا بودم، ولی باز در همین روزها به مناسبت سفر و به مناسبت وظایفی که بر عهده‌ی ماست، یک بار دیگر مراجعه کردم. کارهای انجام شده، حقیقتاً چشمگیر است. تلاشی که در بخش اقتصادی، در بخش آموزش، در بخش سازندگی، در بخش صنایع سنگین، در بخش صید و صیّادی و در بخشهای مختلف انجام گرفته، چشمگیر است. استانی که قبل از انقلاب، از آموزشگاههای آموزش عالی بی‌بهره بود، امروز غیر از دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس، صدها نفر در رتبه‌ی دکترا مشغول تحصیل دارد. تعداد آموزشگاههای آموزش عالی در این استان، تعداد بسیار قابل توجهی است که نیروی انسانی را تربیت می‌کند. نظام جمهوری اسلامی در این مدّت، کارهای بسیار باارزشی برای این استان انجام داده است - راههای استان، خطّ آهن استان، صنایع سنگین استان - اما آنچه انجام داده است، در مقابل آنچه باید انجام گیرد، یک بخش از دهها بخش است. استعداد این استان، استعداد بسیار بالا و وسیعی است؛ هم استعداد تجارت، هم استعداد زراعت، هم استعداد صنعت، هم استعداد صیّادی و هم استعداد جلب سیاحتگران. یک استان بالقوه بسیار ثروتمند، که اگر ان شاءالله این روند سازندگی همچنان که مسؤولان دلسوز و علاقه‌مند کشور مشغول هستند، ادامه پیدا کند، آینده‌ی خوبی خواهد داشت. البته به فضل پروردگار، روند



سازندگی ادامه هم پیدا خواهد کرد؛ دولت فعال، مسؤولان کاری و رئیس جمهور تازه نفس که با عشق به مردم دلپایشان می‌تپد، برای مردم و منافع مردم ادامه هم خواهند داد.

البته امروز چهره‌ی استان، چهره‌ی یک استان محروم است و با همه‌ی تلاشی که شده است، هنوز روستاهای محروم، بخشهای محروم و حتی مشکلات شهری در این استان بسیار است. در این سفر، بیشترین نقش ما، نقش شناسایی و فهمیدن مشکلات است. مسؤولان کشور، دولت عزیز و بخشهای مختلف، مسؤولیتهای خودشان را بشناسند و در برنامه‌های کاری آینده، آنها را بگنجانند. در زمانهای منطقی و معقولی و با فاصله‌های قابل قبولی، به ترتیب و بتدریج این مشکلات باید حل شود.

این ملت مؤمن، این استان جوان، این دل‌های پرمحبت، این دستهای کاری و قوی و این روحهای مطمئن، باید بتوانند در این بخش از کشور، هم از لحاظ معنوی و فرهنگی و دینی، هم از لحاظ اقتصادی، هم از لحاظ مسائل اجتماعی، و هم بر لب تنگه‌ی حساس هرمز - این آبراه عظیم جهانی که چشم همه‌ی قدرتمندان عالم به آن است - بهره‌مند شوند. مردمی هوشیار، جوانانی مصمم، پنجه‌هایی قوی و نیرومند، زنان و مردانی که دلشان از عشق به میهن و فداکاری برای اسلام می‌تپد، در این نقطه‌ی حساس گوش به زنگ باشند؛ دوست را بشناسند، دشمن را بشناسند و وظیفه را بفهمند. پیشرفت همه جانبه‌ی این استان، به امنیت این کشور هم - به طور مستقیم و غیرمستقیم - ارتباط پیدا می‌کند، که باید به فضل پروردگار همه‌ی این کارها انجام گیرد. البته نقش شما آحاد مردم، بخصوص نقش جوانان و بالاخص نقش کسانی که از آنها انتظار تخصص و مهارت و آمادگیهای گوناگون برای کارهای مختلف هست، بسیار حساس و تعیین کننده خواهد بود.

درباره‌ی مسائل مورد علاقه‌ی ما و شما - چه مسائل کشور و چه مسائل جهان - من به دو مطلب اشاره می‌کنم که بخصوص برای شما مردم ساکن در حاشیه‌ی خلیج فارس، یکی از این دو مطلب بسیار مهم است.

در زمینه‌ی مسائل مربوط به همه‌ی جهان باید بگویم: خلیج فارس نقطه‌ای است که در واقع چشم همه‌ی جهان به آن است - چشم مصرف کنندگان نفت و چشم کسانی که به محصولات آن مصرف کنندگان دوخته شده است - منطقه‌ی ثروتمند بسیار مهم جهان که بیشترین بخش آن هم سواحل ایران اسلامی است و تمام اطراف آن متعلق به اسلام است و کشورهای اسلامی، اطراف این حوزه‌ی ثروتمند نفت خیز عظیم را گرفته‌اند. پس مسائل این منطقه، مسائل دنیای اسلام و از جهتی مسائل جهان است. متأسفانه امروز حضور قدرتهای بیگانه در این منطقه، یکی از نقاط بسیار تیره‌ای است که در این منطقه در طول زمان وجود داشته است. امروز دهها شناور نظامی دشمنان دنیای اسلام در این منطقه مشغول حرکتند. البته ایران اسلامی به فضل نظام تثبیت شده‌ی جمهوری اسلامی و به لطف هوشیاری ملت و آمادگی نیروهای مسلح، هیچ تهدیدی را نسبت به خود اولاً احساس نمی‌کند؛ ثانیاً اگر تهدیدی باشد، با قدرت تمام به آن پاسخ خواهد داد. ولی به‌رحال حضور بیگانگان در این منطقه - که بیشترین شناورهای نظامی هم متعلق به شیطان بزرگ امریکاست - تهدیدکننده است؛ یعنی امنیت این منطقه‌ی بسیار حساس را تهدید می‌کند.

این روزها بهانه‌ی مسأله‌ی عراق هم بر بهانه‌های قبلی اضافه شده است. به عنوان اجرای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، امریکاییها این‌جا حضور مضاعف پیدا کرده‌اند که البته اقدام آنها در حقیقت هیچ ارتباطی هم به معنای واقعی کلمه با مصوبات شورای امنیت ندارد. ما تهدید امریکا نسبت به عراق را یک عمل غیرقانونی و دیکتاتورمآبانه، و



از لحاظ انسانیت و شرع محکوم می‌دانیم؛ به خاطر این که اگر دولت ایالات متحده با انگیزه‌های خاص خود می‌خواهد با رژیم «صدام حسین» در بیفند، مردم عراق در این بین گناهی نکرده‌اند. هرگونه تهاجمی به عراق، موجب کشتار مردم بی‌گناه و بی‌دفاع و غیرنظامی است. این یک جنگ روبه‌روی دو نیروی زمینی نیست که این لشکر آن لشکر را، و آن قوا این قوا را بکشد و نابود کند؛ این یک حمله‌ی هوایی و یک حمله‌ی موشکی و یک حمله‌ی لیزری است. به همان اندازه‌ای که ممکن است نظامیان عراق هدف این حمله باشند، غیرنظامیان عراق هم به همان اندازه ممکن است هدف حمله گیرند.

آن دولتی که ادعا می‌کند طرفدار حقوق بشر است و گاهی برای یک مجرم سیاسی یا یک قاچاقچی که در ایران محاکمه می‌شود، وابستگانش، یا خودش و یا همفکرانش، جنجال به راه می‌اندازند، یا در مسائل جهانی به این بهانه دخالت می‌کنند، کشتار مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در عراق و غیرعراق برایش کم‌اهمیت است. اخیراً اعلام کرده‌اند که ممکن است در حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق، هزار و پانصد نفر کشته شوند! البته رقمی که اظهار شده است، یقیناً خیلی کمتر از رقم کسانی است که در معرض تهدید قرار می‌گیرند. چه کسی می‌تواند بگوید که هزار و پانصد نفر کشته خواهند شد؟ ممکن است پانزده هزار نفر کشته شوند. ممکن است بیشتر یا کمتر کشته شوند. تازه هزار و پانصد نفر انسان بی‌گناه هم عدد کمی نیست!

به خاطر تسویه حساب دو دولت با یکدیگر، الان چند سال است که بر اثر محاصره‌ی اقتصادی آمریکا نسبت به عراق، مردم عراق در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند؛ بچه‌ها شیر ندارند، مادران نان ندارند، پدران کار ندارند. ملت مرفه و نسبتاً ثروتمندی مثل ملت عراق، الان چند سال است که به خاطر محاصره‌ی اقتصادی آمریکا و بعضی از همپیمانانش، به یک ملت محتاج نان شب تبدیل شده است! چقدر خانواده‌ها در فشار زندگی می‌کنند؛ چقدر کودکانی که دچار بیماری‌های صعب‌العلاج می‌شوند؛ چقدر خانواده‌هایی که جواب بچه‌هایشان را که از گرسنگی گریه می‌کنند، نمی‌توانند بدهند. اینها انسانی است؟! اینها با ادعای طرفداری از حقوق بشر سازگار است؟! این مصیبت چند ساله کم است که بعد از حداقل دو مرتبه تهاجم نظامی به عراق، بار دیگر اعلام می‌کنند که می‌خواهند به عراق حمله کنند! ملت عراق با این حمله‌ای که ممکن است پیش آید، یقیناً مظلوم واقع خواهد شد و خون مردم به گردن تصمیم‌گیرندگان آمریکایی است.

نکته‌ی دوم در قضیه‌ی و محکومیت حمله به عراق این است که آمریکا با این حمله، دخالت و حضور خشن و زورمدارانه‌ی خود در کشورها و در مسائل جهانی را به صورت یک قاعده و رویه درمی‌آورد. به چه دلیل؟ با چه مجوزی؟ شما مگر چه کاره هستید؟! مگر آمریکا ژاندارم جهان است؟! من دو سال قبل از این گفتم، آن چیزی که ته دل قدرتمداران آمریکایی است و گاهی هم بر زبان جاری می‌کنند، این است که همه‌ی دنیا یک امپراتوری بزرگ است؛ امپراتور آن هم امریکاست! اراده‌ی ملتها، حق انتخاب ملتها و آزادی ملتها، از نظر آنها افسانه و بی‌ارزش است! حقوق بشر را بر زبان جاری می‌کنند؛ اما در دل آن را قبول ندارند: «یقولون بأفواههم مالیس فی قلوبهم (126)». آمریکا با چه مجوزی به خود حق می‌دهد که نسبت به مسأله‌ی عراق یا رژیم عراق یا ملت عراق تصمیم بگیرد؛ آن هم تصمیمی خونین که به معنای دخالت نظامی است؟! برای چه؟ برای این که حضور خود را در خلیج فارس تأمین کند؛ برای این که سلاحهای جدیداً ساخته شده‌ی خود را بر روی مردم بی‌گناه عراق آزمایش کند! عجب دنیایی است! عجب فرهنگ جنایتکارانه و زورمدارانه‌ای است! سلاحها باید آزمایش شوند! سلاحهای جدید باید یک جا عمل کنند، تا اینها عملکردش را ببینند! این بشود یکی از موجبات حمله‌ی نظامی به یک ملت و یک کشور! اینها چطور ادعا می‌کنند که



مسائل مربوط به انسانها را می‌شناسند و یا به آنها اندک علاقه‌ای دارند؟! برای اینها آنچه مطرح نیست، انسان است؛ آنچه مطرح است، قدرت خودشان است. حضور امریکا در خلیج فارس و حمله‌ی امریکا به عراق یا به هر نقطه‌ی دیگر در این منطقه، اولاً موجب ناامنی و موجب فتنه است؛ ثانیاً موجب به هم انداختن دولتهای منطقه است؛ ثالثاً برای تقویت صهیونیستها و رژیم صهیونیستی این اقدامات سازماندهی می‌شود. می‌خواهند جای پای عامل خودشان - نظام صهیونیستی - را در منطقه محکم کنند.

ملت ایران و نظام مقدّس جمهوری اسلامی، با موضعگیری خود در مقابل امریکا، از اوّل انقلاب تا امروز نشان داده است که امریکا را خوب می‌شناسد؛ چهره‌ی شیطنت‌بار مستکبران حاکم بر کشور امریکا را خوب شناخته و خوب تشخیص داده است. حقیقتاً آن‌طور که امام فرمود: «امریکا شیطان بزرگ است»، این شیطنت علیه ملت‌هاست.

بنابراین، آنچه گفتیم، نه فقط در چارچوب کشور ایران، که برای افکار عمومی جهان قابل فهم و قابل قبول و منطقی است. بر طبق چنین پشتوانه‌ی استدلال و منطق محکمی، ما با حضور امریکا در خلیج فارس و با حمله‌ی نظامی‌اش به عراق مخالفیم. البته این به معنای تأیید کارها و سیاستها و روشهای رژیم بعثی عراق نیست؛ همه هم این را می‌دانند.

عزیزان من! جوانان استان هرمزگان! روحانیون محترم! قشرهای مختلف! شما بر لب این آبراه مهم - تنگه‌ی هرمز - و در ساحل هزار کیلومتری خلیج فارس، باید این حقایق را خوب بدانید. بدانید که در نزدیکی شما چه می‌گذرد. بدانید که تهدید دشمن یعنی چه. بدانید که دشمن اسلام و دشمن ملت‌ها و دشمن استقلال و آزادی کشورها، اگر به کشوری هم تعرّض نمی‌کند، نه از باب این است که نمی‌خواهد؛ از باب این است که نمی‌تواند. هیچ قدرت مادی‌ای در دنیا وجود ندارد که بتواند با ملت ایران، با این ملت یکپارچه و مستحکم و مؤمن و با این احساسات صمیمانه‌ی بین مسؤولان و ملت مبارزه کند و بر آن فائق آید. هر کس با چنین ملتی مبارزه کند، محکوم به شکست است. هر کس با چنین کشور و ملت و حکومتی دربیفتد، محکوم به هزیمت است. با مردمی که خدا را یاری می‌کنند، اسلام را یاری می‌کنند، به قرآن عمل می‌کنند، در سرنوشت خود حاکمند، قدر آزادی و استقلال را می‌دانند، در صحنه حضور دارند و مسائل را تحلیل می‌کنند، هر کس مواجه شود و مقابله کند، خودش شکست خواهد خورد و این ملت پیروز خواهد شد.

من همین‌جا از فرصت استفاده می‌کنم و آن نکته‌ای را که در مورد مسائل کنونی کشور لازم می‌دانم به شما عرض شود، مطرح می‌کنم:

عزیزان من! بدانید امروز کشور شما با یک دولت قوی، با یک نظام تثبیت‌شده و با یک برنامه‌ی منظم به سمت هدفهای ترسیم‌شده‌ی خود حرکت می‌کند. در مجموعه‌ی تصمیم‌گیرندگان و عمل‌کنندگان کشور، بحمدالله هیچ‌گونه اشکالی که بتواند در پیمودن این راه اختلال ایجاد کند، وجود ندارد. دشمنان سعی می‌کنند وضع اقتصادی کشور را تیره جلوه دهند. نه این‌که ما مشکل نداریم؛ بدیهی است ملتی پس از دوران طولانی سلطه‌ی طاغوت و پس از هشت سال جنگ و با این همه دشمنی از سوی متعرّضان و دخالت‌کنندگان خارجی و متجاوز، وقتی بخواهد در راه رشد خود حرکت کند، سالها طول خواهد کشید. سالها طول می‌کشد تا بتوانیم مشکلات کشور را به کلی حل کنیم؛ اما امروز بحمدالله حرکت صحیح، حرکت پرشتاب، حرکت معقول و حرکت امیدبخشی در کشور وجود دارد. از قبل هم



وجود داشته است؛ امروز هم بحمدالله هست، که آینده را روشن و افق را باز و امیدبخش جلوه می‌دهد. آینده بحمدالله خوب است. البته دشمن می‌کوشد این آینده را خراب کند، یا لاقلاً امید به آینده را در دلها بمیراند.

من بارها گفته‌ام که دشمنان کشور، تبلیغاتچیها و بوقهای وابسته به استعمار، اگر دیدند در واقعیت نمی‌شود اثر گذاشت، سعی می‌کنند در فضای ذهنی اثر بگذارند؛ ذهنها را خراب کنند و دلها را مأیوس نمایند. حقیقت غیر از آن چیزی است که تبلیغاتچیهای استکبار می‌گویند. حقیقت، حرکت صحیح کشور به سمت اهداف است. البته در این دنیای ظلم و در این دنیای استکبار، پیمودن این راه آسان نیست؛ دشوار است. هر کس مسؤولیت می‌پذیرد، این دشواری را هم باید قبول کند، که بحمدالله قبول کرده‌اند، حرکت می‌کنند و با همه‌ی سختیها دست از تلاش بر نمی‌دارند. همدلی ملت و دولت، و وحدت صفوف ملت، یکی از شرطهای اساسی کار است. این را باید حفظ کنید و نگذارید دشمنان بین شما تفرقه بیندازند: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». (127)

امروز بعد از هزار و چهارصد سال، همه‌ی آیات قرآن زنده است؛ همه‌ی آیات قرآن با ندای بلند خطاب به ماست. شاید یکی از زنده‌ترین و برجسته‌ترین کلمات الهی، همین آیه‌ی شریفه است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»؛ همه با هم به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید. وحدت در سایه‌ی پیروزی از احکام الله، وحدت در زیر سایه‌ی قرآن، وحدت در راه هدفهای الهی، وحدت در راه ایجاد جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی. ما در راه آن به حرکت در آمده‌ایم؛ اما هنوز تا سرمنزل، فاصله‌ی زیادی داریم. باید برویم تا به جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی برسیم.

تلاش ملت، دولت، مسؤولان، عناصر فرهنگی، عناصر اقتصادی، نیروی کار زن و مرد، همه و همه با هم است؛ لذا صفوف ملت هم باید با یکدیگر متحد و همدل و همصدا باشد و همگام و همجهت شود. میان مردم و مسؤولان هم باید همجهتی باشد. بحمدالله مسؤولان، امین و دلسوز و معتمدند؛ نیتشان، نیت پاک و خالصی است. ما از نزدیک اینها را می‌بینیم و می‌شناسیم؛ تلاش می‌کنند. خط هم خطی است که انقلاب ترسیم کرده است و به فضل پروردگار از جهتگیری‌ای که انقلاب ترسیم کرده است - که جهتگیری قرآن انقلابی و اسلام راستین است - سر سوزنی هم انحراف به وجود نخواهد آمد و همان خط مستقیم ادامه پیدا خواهد کرد.

آنچه که بخصوص به استان شما ارتباط پیدا می‌کند، این است که من به شما، به ویژه به جوانان عزیز عرض کنم که برای سازندگی کشور، نیروی کار، خیلی مهم است. دشمن سعی می‌کند نیروی کار را از ملت ایران بگیرد. ما ملتی هستیم که تعداد جوانان در میانمان زیاد است. در همین استان شما حدود پنجاه درصد جمعیت زیر بیست سال سن دارند. در سطح کشور هم آمارها، آمارهایی است که همه می‌دانید. نمودارها، نمودارهایی است که اعلان شده است. نیروی جوان و جمعیت جوان کشور، برای یک ملت خیلی ارزنده است. این همه جوان، این همه نیروی کار، این همه نیروی ابتکار، برای یک ملت خیلی ارزنده است. این جاست که دشمن برای تباه کردن و ضایع نمودن نیروی کار، وارد میدان می‌شود. چگونه؟ با دو عامل: عامل فساد اخلاقی و عامل اعتیاد. من به شما مردم عزیز هشدار می‌دهم. الان رسانه‌هایی از کشورهای دیگر هستند - اسم نمی‌آورم از کجا - که برنامه‌های فاسدکننده و مبتذل بخصوص برای شما جوانان تولید می‌کنند؛ برای این که بتوانند از آن سوی مرزها بر روی جوان پاک و سالم و صحیح‌العامل و صحیح‌التیة ایرانی اثر بگذارند.

این جوان را دشمن تجربه کرده است. این جوان، همان جوان میدان جنگ هشت ساله است. جوانان امروز ما از جنس



همان جوانانی هستند که در دوران هشت سال دفاع مقدس، هر وقت لازم شد، تمام بیابانهای پشت مرزهای با عراق را پر کردند؛ جنگیدند تا دشمن را ناکام گذاشتند. اینها همان جوانانند؛ دشمن این را می‌داند. دشمن برای فاسد کردن، منحرف کردن و ضعیف کردن پنجه‌ی قدرتمند اینها در میدان سازندگی و عمل و احیانا دفاع، برنامه می‌ریزد؛ برنامه هم فساد اخلاقی و اعتیاد است؛ مراقب باشید.

البته دستگاههای کشور مراقبند و دقت می‌کنند؛ اما بهترین مراقب، خود شما مردم، خود پدران و مادران، خود جوانان در محیط کار، در محیط درس، در محیط گردش و ورزش و تفریح هستید. با این مراقبتها، با این توجه، با این اتکال به خدا، با این تمسک به قرآن، با این اعتصام بحبل الله جمیعاً، به فضل پروردگار این ملت خواهد توانست کشور ایران عزیز را به کشور نمونه‌ی اسلامی و این جامعه را به جامعه‌ی آباد، آزاد، پر استعداد، پرتلاش، پر عمل و ثروتمند اسلامی تبدیل کند. امیدواریم تحت سایه‌ی عنایت پروردگار و توجهات اولیایش و بقیة الله الاعظم ارواحنفا، این روز خیلی دور نباشد و شما آن را به چشم ببینید و همه‌ی شما در تشکیل و ایجاد آن روز سهیم باشید.

من يك بار ديگر از شما برادران و خواهران عزيز به خاطر اين اجتماع پرشکوه و عظيم و به خاطر محبت و لطفتان در استقبال، تشکر می‌کنم. امیدوارم که بتوانیم وظایف خودمان را در قبال شما انجام دهیم و همه‌ی مسؤولان با وظایف خودشان در قبال این مردم عزیز بیشتر آشنا شوند و به آن بهتر عمل کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

124 (حشر: 10)

125 (آل عمران: 147)

126 (آل عمران: 167)

127 (آل عمران: 103)